

سلوک مدیریت از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع)

اهمیت مدیریت از دیدگاه امام علی (علیه السلام): امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مدیریت را محور و قطب می دانند، تمام مسایل را در جامعه اسلامی بر محور مدیر و مدیریت خلاصه می کنند و می فرمایند: «تدبیر و مدیریت خود سرمایه اندک را افزون می کند، اما مدیریت و تدبیر سوء و ضعیف سرمایه انبوه را نیز نابود و زائل می سازد».

امام علی (علیه السلام) در جای دیگر می فرمایند: «رجعت و سیر قهقرای چار علت عمده دارد که مهمترین آن سوء مدیریت است».

وظایف عام مدیریت اسلامی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

۱- ایمان و تقوا

یک مدیر در درجه نخست باید همانند هر انسان دیگر ایمان و تقوا داشته باشد. مدیر مومن، مطیع فرامین الهی است و می داند که اگر در جریان کارها شرایط سخت و دشواری برایش پیش آید و یا زمینه کارها بسیار آماده باشد و امور به سهولت در برابرش پدیدار گردد، در هر دو حالت روحیه خود را نباخته و خود را در مسیر اجرای فرامین الهی می بیند و با وقار و اطمینان خاطر کار را ادامه می دهد. توصیه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به مالک اشتر در این خصوص شنیدنی است؛ «ای مالک، مالک نفس خویش باش و آن را به دست هوی مسپار، نفس خویش را با ترک خواهش ها بکش و به هنگام سرکشی، عنان را بکش که نفس پیوسته به بدی فرمان می دهد جز آنکه خدای رحم کند و در اجابت نفس در نارواها بخل بورزد و بدان که همانا بخل ورزیدن نسبت به نفس، مراعات انصاف است در آنچه که برای آن خوشایند یا ناخوشایند است».

۲- اعتصام و اعتماد به خدا و نصرت الهی

اعتصام و اعتماد به خدا و نصرت الهی یکی از ابزارهای معنوی است که یک مدیر اسلامی می تواند برای انجام وظیفه خطیر مدیریت از آن استفاده کند تا از انجام کارها خسته و افسرده و مایوس نشود و سختی های بزرگ او را متزلزل نسازد. امام علی (علیه السلام) در این خصوص می فرماید: «کسی که بر خدا توکل کند، ناهمواری ها و سختی ها بر او هموار و دستیابی به ابزار و امکانات رسیدن به هدف برای او آسان می شود».

۳- رعایت عدالت و انصاف

رعایت و برقراری عدالت یکی از مهمترین وظایف یک مدیر اسلامی است؛ عدالت مبنای همه حرکت های صحیح مدیریت است که در اثر وجود عدالت همه چیز در جای خود قرار می گیرد و هر کس کارش را به درستی انجام می دهد. مراعات بی طرفی بر مدیر واجب است و باید صرفنظر از اینکه یکی از دو طرف دوست صمیمی یا خویشاوند نزدیک اوست و اگر حق را به او ندهد ممکن است از وی رنجیده شود باید به دقت بررسی کند که حق به جانب کدام است. امیرالمومنین علی (علیه السلام) در خصوص این وظیفه مدیریتی می فرمایند: «کسی که عادل باشد، دستور و حکمش نافذ خواهد بود».

۴- پرهیز از غرور و خودپسندی

یکی از بیماری های مهلک مدیریت، گرفتار عجب و خودپسندی شدن و اینکه به محض منصوب شدن به مدیریت، خود را بالاتر از دیگران ببیند و به افراد به دیده حقارت بنگرد و به همین دلیل تماس خود را با مردم قطع کرده و از آنان دوری گزیند. مدیری که دچار خودپسندی می شود از جستجوی مرحله بهتری برای کار خود و بالا بردن سطح آن باز می ایستد و هم از دیدن و پذیرفتن نوع بهتری از کار مورد نظر باز می ماند و نیروی کمال گرای عقل خویش را فرو می نهد. حضرت علی (علیه السلام) در نامه خویش به مالک اشتر می فرمایند: «اگر قدرت و مقامی که به دست رسیده برایت خودپسندی و عجب آورده و کبریا و عظمتی برای خود پنداشتی، ملک خدای را بالای سرت بنگر، بیندیش که قدرت هایی که تو در حق خود نداری او درباره تو دارد... که خدا هر جباری را ذلیل گرداند و هر گونه فخرفروشی را زبون سازد».

۵- پرهیز از استبداد و دیکتاتوری

خطرناک ترین روحیه ای که مدیر در اثر ابتلاء به خودپسندی و تکبر پیدا می کند روحیه دیکتاتوری و استبداد اوست. در چنین حالتی مدیر همه معیارهای حق و منطقی و ملاک عدل و اخلاق را زیا پا می گذارد و برای کسب قدرت بیشتر و اعمال آن به هر عمل نادرست و ظالمانه ای دست می زند.

وظیفه مدیر ایجاد شرایطی است که افراد، داوطلبانه و آگاهانه از دستورات و قوانین پیروی کنند. زیرا انسان در برابر هر گونه ظلم و زور به طور آشکار یا پنهان، مقاومت می کند. زورگویی و استبداد از نشانه های ناتوانی است و به تعبیری آنجا که منطقی نباشد، از زور استفاده می شود.

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «مبادا بگویی، من نیرومندم، امر می کنم و دستوراتم اجرا می شود، زیرا این روش موجب فساد فکر، تضعیف دین و نزدیک شدن به انحراف است».

امیرالمومنین علی (علیه السلام) شخص مدیر را به توجه دائم به اینکه او خود زبردست رده های بالاتر از خود است و مدیران بالاتر از او نیز در قلمرو فرمانروایی و حاکمیت الهی قرار دارند، دعوت می کند و به مالک می فرمایند: «پس هر آینه تو بالاتر از آنهایی و ولی امر تو بالاتر از توست و خدا بالاتر از کسی است که تو را به مدیریت و فرماندهی و فرمانروایی گمارده است».

و باز در جایی دیگر حضرت می فرمایند: «تواضع آدمی را بالا می برد و تکبر انسان را کوچک و پست می کند».

۶- دوری از دنیاپرستی و طمع

یک مدیر اسلامی باید مراقبت کند تا مال و مقام او را شیفته دنیا نسازد و او را از توجه به آینده و روز مرگ باز دارد و باعث انحراف و تباهی وی گردد. امام علی (علیه السلام) در مورد دنیاپرستی می فرمایند: «محبت دنیا عقل را فاسد می کند و گوش را از شنیدن مطالب حکیمانه ناشنوا می سازد».

و از سخنان گهربار آن امام علی (علیه السلام) در مورد طمع همین بس که حضرت می فرمایند: «آنکه طمع را شعار خود گرداند خود را کوچک نمایاند».

۷- صبر و شکیبایی

اهمیت صبر در مدیریت زمانی روشن می گردد که بدانیم صبر واسطه اصلی در تحقق اهداف، به ویژه در رسیدن به هدفهای بزرگ است و این سنت قطعی الهی است که بدون آن پیامبران هم نمی توانند اهداف مدیریتی خود را محقق سازند. پس یک مدیر اسلامی برای موفقیت در اهدافش بیش از هر چیز باید به زیور صبور آراسته باشد. امام علی (علیه السلام) در اهمیت صبر و شکیبایی در کارها می فرمایند: «نقش صبر در کارها همچون نقش سر در بدن است. همان طور که با جدا شدن سر از بدن، بدن فاسد می شود وقتی صبر را از کارها جدا کنیم کارها تباه می شود».

و در جایی دیگر حضرت می فرمایند: «شکیبا، پیروزی را از دست نمی دهد هر چند زمان درازی چشم به راه بماند».

۸- تواضع و حلم

یکی از ابزارهای مدیریت تواضع و حلم است؛ با توجه به اینکه مدیر می خواهد به واسطه انسانها کاری را انجام دهد، باید بتواند در برابر رفتارهای گوناگون آنان واکنش مناسبی داشته باشد و با حلم و تواضع، رفتارها و گفتارهای نامطلوب آنان را (در حد متعارف) تحمل نماید. البته این رفتار زمانی مناسب است که مسایل شخصی مدیر مطرح باشد ولی اگر در ارتباط با وظایف سازمانی و مصالح جمعی باشد، وظیفه مدیر برخورد قاطعانه خواهد بود نه گذشت و بخشایش.

اهمیت حلم و سعه صدر به حدی است که امام علی (علیه السلام) آن را ابزار کار مدیر می دانند می فرمایند: «بزار مدیریت، سعه صدر است».

۹- گشاده رویی

یکی از ارزشهای اخلاقی در نظام اسلامی، این است که مدیر اسلامی با خوشرویی با مردم برخورد نماید و بخاطر کاری که برای آنها انجام می دهد بر آنها منتهی نداشته باشد. طبیعی است که مدیر یک سازمان در هر شرایطی قادر به حل کلیه مشکلات مراجعین نیست ولی می تواند با گشاده رویی با آنان روبرو شود و به سخنانشان توجه کند تا بدین وسیله از آلام و دردهای آنان بکاهد و خوشی از خود به یادگار گذارد. امیرالمومنین علی (علیه السلام) به مالک می فرمایند: «برای رعیت بالت را فرود آور و پهلویت را برایشان هموار دار و با آنان گشاده رو باش».

۱۰- امانت داری

مسند مدیریت، امانتی است که به کارگزار سپرده می شود و او باید به نحو احسن از آن نگهداری کند و آن را بعد از خود به اهلیش بسپارد. امام علی (علیه السلام) در نامه ای که به فرماندار خود در آذربایجان به نام اشعث بن قیس می نویسند، می فرمایند: «پست و مقامی که به دست تو افتاده برای تو طعمه نیست بلکه امانتی در گردن تو است و خواسته اند که تو نگهبان باشی برای کسی که از تو بالاتر است»....

۱۱- ساده زیستی

یکی از مواردی که اسلام همواره به آن سفارش فرموده است، ساده زیستی مدیران جامعه است. امام علی (علیه السلام) نیز مدیران اسلامی را به ساده زیستی توصیه می فرمایند: «خداوند بر پیشوایان دادگر واجب نمود خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا

فقیر را به هیجان و طغیان در نیاورد».

۱۲- خدمت عاشقانه و توجه به محرومین

پس از پذیرش هر مسئولیتی مدیر باید تمام حساسگری های نفسانی را به کناری نهد و با تمام وجود خود را وقف انجام وظیفه نماید و بر خلاف کسانی که تصور می کنند، مدیریت یعنی دست از کار کشیدن و تنها نظاره گر بودن، و لذا آن را مقدمه تن پروری و راحت طلبی می پندارند، مدیر اسلامی باید در راه انجام مسئولیت خطیری که بر عهده گرفته همه هستی اش را در طبق اخلاص بگذارد. مدیر اسلامی باید بیشتر عشق و محبت خویش را متوجه مردم و محرومینی نماید که بدون هیچ توقعی بار مشکلات جامعه را به دوش می کشند و پایه های نظام اسلامی برا دوش آنان استوار است و در هنگام هجوم دشمنان ایثارگرانه جان خود را نثار می کنند. امام علی (علیه السلام) در فرمان خویش به مالک اشتر می فرماید: «مهر و محبت و احسان به رعیت را در دل پرور، (تو که در لباس چوپانی) برای آنها درنده شکاری نباش که خوردن آنها را غنیمت دانی، آنها دو گروه بیش نیستند: یا با تو برادرند در دین یا در خلقت با تو برابرند».

و باز در جایی دیگر می فرمایند: «اگر مدیر نیت پاک داشته و مردم از او آسوده خاطر باشند، تمامی اوقات روزش برای خدا صرف می شود و عبادت به شمار می آید».

۱۳- پیشگامی در کارها و تسریع در امور مردم

از جمله کارهایی که مدیر باید در آن پیشگام باشد، سرعت عمل در کار مردم و برطرف کردن مشکلات آنهاست. این امر علاوه برای اینکه موجب موفقیت و پیشرفت کارهای مدیر شده و از انباشته شدن امور جلوگیری می نماید، بلکه باعث جلوگیری از دلسرد شدن و نارضایتی و ناامیدی مردم نیز می شود. امام علی (علیه السلام) به مالک این گونه سفارش می کنند: «از وظایف اختصاصی تو زمامدار و والی این است که نیازمندیهای مردم را در همان روز که به اطلاع می رسد مرتفع سازی».

۱۴- حافظ بیت المال بودن

یکی از مهمترین وظایف مدیر اسلامی این است که حافظ بیت المال مسلمین باشد. امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «بخشش زمامداران از خزانه مسلمین ستم و فساد است».

۱۵- وفای به عهد

یکی دیگر از وظایف و ویژگی های مهم مدیر وفای به عهد است. امام در منشور خود به مالک می فرمایند: «اگر دشمن در پیکار و کشاکش جنگ پیشنهاد صلحی پسندیده داد هرگز رد مکن... اگر مشکلی رخ داد که ناچار شدی با دشمن صلح برقرار کنی یا عهد یا میثاقی ببندی باید به پیمان خود وفادار باشی، قرارداد را با کمال درستی محترم شماری و جانت را سپر پیمان سازی». ۱۶- متین و ساده سخن گفتن

یک مدیر اسلامی باید در هنگام سخن گفتن، آنچنان ساده، سالم و قابل فهم سخن بگوید که در شنوندگان خستگی و ملال و نهایتاً بی تفاوتی ایجاد نکند. باید از به کار به بردن اصطلاحات و کلمات و عبارات نامفهوم و پیچیده خودداری کند تا سخنش به سادگی و به راحتی قابل فهم باشد. سخن وسیله ارتباط میان مدیر و کارشناس است. مدیر باید در فن خط و سخنوری تمرین نماید و فصیح صحبت کند. امام علی (علیه السلام) در این زمینه می فرمایند: «چه بسا کلامی که تاثیرش از تیرهای بران افزونتر است». ۱۷- جلوگیری از رواج تملق و عیب جویی و سخن چینی

یک مدیر اسلامی باید به گونه ای عمل کند که افراد ناباب، زمینه ایجاد اغتشاش در روابط را بدست نیاورند و موجبات ناراحتی، نگرانی، سوءظن و بی اعتمادی بین افراد را بوجود نیاورند. زمانی که مدیر به خودپسندی مبتلا می شود، عده ای برای خوشامد وی به تملق گویی می پردازند که رواج این امر محیط سازمان را مسموم و ناامن می سازد. امام علی (علیه السلام) در این مورد می فرمایند: «پرهیز کن از خودپسندی و تکیه بر چیزی که تو را به خودپسندی وادارد و از این که دوست بداری مردم تو را بستانند، زیرا این حالت از مهمترین فرصت های شیطان است تا نیکی نیکوکاران را از بین ببرد. شیطان انسان را به ستایش دوستی و خودپسندی وامی دارد تا کار نیکی که انسان انجام داده، بی اثر شود». ۱۸- تثبیت رویه دیگران

یک مدیر اسلامی باید به این اصل اعتقاد و ایمان داشته باشد که بزرگانی که قبل از وی در آن پست بوده اند انتصابهایی را انجام داده اند که صحیح است، دستورالعملهایی را داده اند که به رشد سازمان کمک می کند، بنابراین یک مدیر اسلامی نباید به صرف رفتن مدیران قبلی و جایگزین شدن خود به جای آنان، کلیه امور را تغییر دهد و در تمامی انتصابات، دستورالعملها، سازماندهی ها و ... تجدیدنظر نماید چرا که ممکن است برخی از این انتصابها و دستورالعملها به جا، دقیق، صحیح و مبتنی بر بررسی علمی

انجام شده باشد و در هم ریختن آنها موجب کندی یا توقف کار سازمان گردد. امام علی (علیه السلام) در نامه ای به مالک اشتر می نویسد: «آداب و رسوم شایسته ای را که بزرگان نخستین بکار بسته اند و مایه همبستگی و اصلاح حال رعیت بوده درهم مشکن و نیز رویه جدیدی را که به چیزی از آن روشها آسیب می رسانند وضع منما، زیرا در غیر این صورت پاداش از آن کسی است که آن رویه ها را برقرار کرده و مسئولیتش بر عهده توست، به خاطر اینکه آنها را نقض کرده ای».